

ریشه ها و منابع قرآن

چند سال پیش که کتاب ریشه ها و منابع قرآن را در سایت دکتر علی سینا دیدم تصمیم گرفتم که بخشهایی از آن را ترجمه کنم. اما وقتی تأثیر حنفیان، زرتشتیان، نصرانیان، و یهودیان را ترجمه کردم؛ دیدم که دیگر چیزی از کل کتاب نمانده است. با خود گفتم بهتر است تأثیر عربهای پیش از اسلام و تأثیر مسیحیان بر اسلام را هم ترجمه کنم تا این کتاب به پایان برسد و از طرفی هم وطنانی که با زبان انگلیسی آشنایی ندارند و یا اینکه حوصله خواندن کتابهای انگلیسی ندارند نیز از این کتاب بهره مند شوند. اگر مقدمه کتاب در اینجا می آید به علت این است که در روز نخست تصمیم نداشتم همه کتاب را ترجمه کنم. امیدوارم که خوانندگان عزیز این بی نظمی مرا ببخشند. در آینده ای نزدیک تمام بخشهای ترجمه شده کتاب را به ترتیبی که در کتاب اصلی است به صورت پیوسته در سایت می گذارم.

مقدمه:

همه دینها از یکجا ریشه می گیرند. دین اسلام که آخرین دین محسوب می شود از این قاعده جدا نیست. رساله هایی در رد کتابهایی که ریشههای قرآن را بیان کرده اند نوشته شده است، که نه مسیحیان و نه یهودیان هیچ کدام آنها را قبول ندارند. در کتابهایی نظیر میزان الموازین نویسندگانی سعی کرده اند که از اسلام دفاع کنند، اما شوربختانه دانش این نویسندگان از اسلام بسیار کمتر از علاقه آنها به این دین بوده است. کتاب ریشه ها و منابع قرآن در نظر دارد که به تنوریهایی که درباره ریشه ها و منبع قرآن است بپردازد و آنها را مورد تجزیه و تحلیل و بررسی قرار دهد. نویسنده ابتدا نقطه نظرات مسلمانان را بیان می کند، سپس به شرح توضیحات کسانی می پردازد که معتقدند قرآن یک کتاب بشری است و ریشه الهی و آسمانی ندارد.

فصل یک

منابع قرآن بر پایه گفته های اسلام

مسلمانان می گویند که دین آنها یک دین آسمانی است و دستورات آن مستقیماً از جانب خدا آمده است. به انگاره آنها تمام قرآن توسط فرشته ای به نام جبرئیل بر محمد نازل شده است. بیشتر سنتهای مسلمین نیز دست به دست از پیروان اولیه اسلام به مسلمانان رسیده است. نویسنده این کتاب، به دلیل اینکه بین شیعه و سنی اختلاف زیاد است، منبع تحقیق خود را خود قرآن قرار داده است که بنا بر باور مسلمین قرآن لوح محفوظ است و نسخه ای از آن در بهشت است و از روز ازل قرآن در لوحی محفوظ نوشته شده است. بنابراین نوشته های قرآن؛ تنها خداست که سرچشمه اسلام است و جستجو برای پیدا کردن ریشه های انسانی باطل و بیهوده است. حالا اگر ما بتوانیم ریشه های انسانی این آیات را پیدا کنیم و یا اگر بتوانیم این ریشه ها را به تعالیمی که پیش از این وجود داشته است مرتبط کنیم پایه های اسلام به یکباره فرو می ریزد.

بنا بر این شایسته است که تمام کسانی که خود را مؤمن می دانند، در مورد این ادعاها تحقیق کنند. اگر مسلمین بتوانند خلاف این ادعاها را ثابت کنند برای همیشه از مقدس بودن دین اسلام خشنود خواهند شد. در غیر این صورت باید خود را از این دین مهلک بیرون بکشند. ابتدا بگذارید ببینیم که آیا ادعای کسانی که می گویند قرآن ریشه انسانی دارد و تعالیم آن در گذشته وجود داشته است صحت دارد یا خیر؟

فصل ۲

مراسم و سنتهای اعراب پیش از اسلام که تأثیر خود را بر اسلام به جای گذاشته است.

برخی می گویند سنتهایی که از اعراب در دین اسلام وجود دارد به این دلیل است که محمد می خواست مردم خود را از بت پرستی بازدارد و به سوی خداوند متعال رهنمون سازد. او می دانست که ابراهیم از نیاکان اوست و می دانست که جد او به خدای یگانه باور داشته است و بسیاری از مراسم طی سالیان سال از دین ابراهیم به مردم آنجا ارث رسیده است. محمد نمی خواست آنها را مجبور کند که دست از آیین خود بردارند. او می خواست سنت های آنها را پالایش کند. او می خواست این مراسم را به صورتی که معقول و پسندیده است حفظ کند. در قرآن سوره نساء آیه ۱۲۴ می خوانیم که: کدام دین بهتر از آن است که مردم خود را تسلیم حکم خدا نموده و سر زیر بار فرمان حق آورند و هم نیکو کار باشند و پیروی از آیین ابراهیم حنیف کنند. آن ابراهیمی که خدا او را به مقام خاص دوستی خود برگزیده است. در سوره آل عمران آیه ۹۴ نیز می خوانیم که: "ای پیغمبر بگو سخن خدا راست است. باید از آیین ابراهیم پیروی کنید که دینی پاک و بی آلایش است و ابراهیم هرگز از آنان که به خدا شرک آورده اند نبوده است. به غیر از بعضی از سنتها مثل بت پرستی و پرستش خدایان چندگانه و کشتن دختران، محمد تمامی سنتهای اعراب را به همان صورت که بود باقی گذاشت و آنها را جزئی از دین خود کرد. اگر چه قبیله های جنوبی و شرقی با نوادگان حام در آمیختند اما چنانچه از گفته های تورات، ابن هشام و طبری بر می آید، قبیله های غربی و شمالی با نوادگان سام آمیزش کردند. قبیله قریش نیز از نوادگان ابراهیم بود.

نوادگان سام به میزان بسیار زیادی خلوص ایمان خود را به واسطه معاشرت با قبایل سوریایی از دست دادند. همه به جز یهودیان باور به خدای یگانه را از دست دادند. تنها در شمال و غرب شبه جزیره عربستان عده ای باقی ماندند که به خدای یگانه باور داشتند. دلایل زیادی وجود دارد که بیانگر این هستند که در آن روزها در عربستان ماه و خورشید و ستاره پرستش می شده است.

چهار قرن پیش از میلاد مسیح هرودوت به ما می گوید که عربهای آیین دوره تنها دو خدا داشتند که نام آنها ارتال (Orotal) و الیتات (Alitat) بود. هرودوت به خاطر بیگانه بودنش؛ با این نامها درست آشنایی نداشته است. اما در متون قدیمی پیش از رسالت محمد نام الله دیده شده است. نام الله پیاپی در کتاب المعلقات و دیوان لابیید که پیش از محمد می زیسته اند برده شده است. ششصد سال پیش از میلاد مسیح، دنودروس سیکولوس از کعبه که عبادتگاه اعراب بوده است سخن می گوید. کعبه پرستشگاه بتهای زیادی بوده است. الله در قرآن مسلمانان را به پرستش خدای یگانه می خواند. اما داستانی در اینجا از قول یکی از نویسندگان مسلمان نقل می کنیم که به خوبی همه چیز را روشن می کند. این نویسنده می گوید وقتی سوره ۵۳ به آیه "لات و منات و عزی غرانیق الاولی و شفاعتهن الترضی" که شیطان بر لبان محمد جاری کرده بود رسید؛ عده ای از مهاجران حبشه ای به مکه باز گشتند. گفته شده است که پس از خواندن این سوره همه کسانی که در آنجا حضور داشتند همراه با بت پرستان به سجده افتادند. زیرا می پنداشتند که خدایان آنها توسط محمد ارج گذاشته شده است. بسیاری از نویسندگان قدیمی این داستان را با استناد به سوره ۲۲ آیه ۵۱ باور دارند. این آیه می گوید:

« و ما پیش از تو هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد شیطان در آیات الهی الدسیسه کرد و آنگاه خدا آنچه را شیطان القا کرده محو و نابود می سازد و آیات خود را تحکیم و استوار می گرداند. و خدا دانا به حقایق امور و درستکار در نظام عالم است.»

اگر چه در عربستان بتهای زیادی بود و بت پرستی در همه جا رایج بود، اما در جاهایی اعتقاد به خدای حقیقی و یگانه وجود داشت. شهرستانی در کتاب خود از بتهای گوناگون نام می برد و مراسمی را که محمد از میان بت پرستان گرفته شرح می دهد. بعضی از قبایل عرب به آفریدگار و همینطور دنیای پس از مرگ باور نداشتند. بعضی از قبایل هم به هر دو باور داشتند. شهرستانی فهرستی طولانی از بتهای محلی نام می برد. سپس مکان ۱۱ بت از جمله لات و منات و عزی و حبل در کعبه را نام می برد. سپس از فرشتگان و جنیاتی که نصرانیان عبادت می کردند نام می برد. سپس ما از مراسم عربهای کافر که در آنجا رواج داشته است آگاه می شویم. بعضی از این مراسم را اسلام حفظ کرده است. مثل سنگ زدن به شیطان و سعی بین صفا و مروه، وضو گرفتن، محدودیت ازدواج، طواف کعبه و چندین مراسم کوچک دیگر.

نتیجه می گیریم که اولین منبع قرآن سنتها و مراسم و ایده ها و باورها و مذاهبی است که در اطراف محمد بودند. این مراسم از زمان ابراهیم وجود داشتند. سپس به دین اسلام وفق داده شدند و در زمان محمد ادامه پیدا کردند. در تورات می خوانیم که اعتقاد به توحید و همینطور رسم ختنه از زمان ابراهیم وجود داشته است. اما در این کتاب هیچ توضیحی در مورد کعبه، طواف مردم در اطراف کعبه، سنگ سیاه و دیگر چیزهای مقدس نمی بینیم.

بدون شک، این مراسم را به مرور زمان بت پرستان عربستان بدعت گذاشتند و این مراسم هیچ ربطی به ابراهیم ندارند.

در اینجا جالب است که خاطر نشان کنیم بعضی از آیه های قرآن از کتابهای شعر شاعران پیش از محمد گرفته شده است. در گذشته در عربستان بهترین شعر شاعران را بر کعبه می آویختند. هفت 'معلقات از جمله شعرهایی بود که به دیوار کعبه آویخته شده بود. روزی فاطمه دختر محمد آیاتی از قرآن را با خود زمزمه می کرد. دختر امرالقیص فریاد می زند و می گوید: این جملاتی است که پدر تو از یکی از شعرهای پدر من برداشته است و می گوید که از آسمان بر او نازل شده است.

این داستان تا به امروز در بین عربها معروف است. ارتباط بین شعرهای امرالقیص آنقدر واضح است که معلوم نیست چگونه مسلمانان می توانند آن را لوح محفوظی بدانند که در بهشت نگهداری می شود. در جواب می گویند این شعرها از امرالقیص نیست. از شخص گستاخی است که پس از آمدن قرآن آنها را از قرآن برگرفته است. اما ثابت کردن چنین چیزی بسیار دشوار است.

در نتیجه گیری این فصل هیچ مشکلی برای اثبات اینکه اسلام بسیاری از آئین های خود را از عربهای بت پرست بدوی گرفته است، نداشتیم.

پایان بخش یک . دو از کتاب ریشه ها و منابع قرآن
REV. W. ST. CLAIR TISDALL, M.A., D.D نوشته کلیر تیسدال

ترجمه پارمیس سعدی

1 سوره (۵۴:۱) (۲۹:۳۱ و ۲۹:۴۶) (۳۷:۵۹) (۲۱:۹۶) (۹۳:۱) شعرهای معلقات کم و بیش به این آیه ها شباهت دارد. اما سوره الضحی: قسم به روز روشن و قسم به شب هنگام آرامش آن... کاملاً با شعر هفت معلقات امرالقیص شباهت دارد. گاهی تفاوت مختصری در بعضی افعال دارند.

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi>